

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۵۴

آیه ۱۹

آیه و ترجمه

۱۹ یا ایها الذین ءامنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرها و لا تعضوهن لتذهبوا ببعض ما ءاتیتموهن الا ان یاتین بفحشة مبینه و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل الله فیه خیرا کثیرا
ترجمه :

۱۹ - ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها) ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه به آنها پرداخته اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها (بجهتی) کراهت داشتید، (فورا تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد.

شان نزول :

در تفسیر مجمع البیان از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که این آیه در باره کسانی نازل گردیده که همسران خود را بدون این که همچون یک همسر با آنها رفتار کنند، نگه می داشتند، به انتظار این که آنها بمیرند و اموالشان را تملک کنند. و از ابن عباس نقل شده که آیه فوق در باره افرادی نازل شده که همسرانشان مهر سنگین داشتند و در عین این که تمایل به ادامه زناشویی با آنها نداشتند به خاطر سنگین بودن مهر حاضر به طلاق آنها نمی شدند، و آنها را تحت فشار قرار می دادند تا مهرشان را ببخشند و طلاق بگیرند. جمعی از مفسران برای آیه فوق شاءن نزول دیگری نقل کرده که متناسب با این آیه نیست، بلکه متناسب با آیه ۲۲ است که ما آن را به خواست خدا در ذیل همان آیه خواهیم آورد.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۵۵

تفسیر :

باز هم دفاع از حقوق زنان

در آغاز سوره گفتیم که آیات این سوره با بسیاری از اعمال ناروای دوران جاهلیت مبارزه می‌کند، در آیه مورد بحث به چند عادت ناپسند آن دوران اشاره گردیده است و به مسلمانان هشدار داده شده که آلوده آنها نشوند:

۱- زنان را به خاطر اموالشان زندانی نکنید - همانطور که در شأن نزول گفته شد یکی از رفتارهای ظالمانه مردان، در دوران جاهلیت این بود که با زنان ثروتمندی که از زیبایی بهره‌ای نداشتند ازدواج می‌کردند، سپس آنها را به حال خود وامی‌گذازدند نه آنها را طلاق می‌دادند و نه همچون یک همسر با آنها رفتار می‌نمودند، به امید این که مرگشان فرا رسد و اموالشان را تملک کنند، آیه فوق می‌گوید: «ای افراد با ایمان برای شما حلال نیست که از زنان از روی اکراه و ایجاد ناراحتی، ارث ببرید» (یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرها).

و به این ترتیب عمل فوق را محکوم ساخته است.

۲- زنان را برای حلال کردن مهر خود تحت فشار قرار ندهید - یکی دیگر از عادات نکوهیده آنها این بود که زنان را با وسایل گوناگون، تحت فشار می‌گذاشتند تا مهر خود را ببخشند و طلاق گیرند، این کار مخصوصا بیشتر در موقعی بود که زن مهریه سنگینی داشت، آیه فوق این کار را ممنوع ساخته و می‌فرماید: آنها را تحت فشار قرار ندهید، به خاطر این که قسمتی از آنچه را به آنها پرداخته‌اید تملک کنید» (و لا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن).

ولی این حکم استثنایی دارد که در جمله بعد به آن اشاره شده است و آن این که اگر آنها مرتکب عمل زشت و ننگینی گردند شوهران می‌توانند آنها را تحت فشار قرار دهند، تا مهر خود را حلال کرده و طلاق بگیرند» (الا ان یاتین بفاحشة مبینه).

در حقیقت این کار یک نوع مجازات و شبیه به گرفتن غرامت در برابر کارهای

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۵۶

ناروای این دسته از زنان است.

آیا منظور از «فاحشة مبینه» (عمل زشت آشکار) در آیه فوق، خصوصاً اعمال منافی عفت است یا هر گونه ناسازگاری شدید؟ در میان مفسران گفتگو است، ولی در حدیثی که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده

تصریح گردیده که هر گونه مخالفت شدید زن و نافرمانی و ناسازگاری او را شامل می‌شود (البسته منظور هر مخالفت جزئی نیست زیرا در مفهوم کلمه «فاحشه» اهمیت و فوق‌العادگی افتاده است و ذکر کلمه «مبینه» نیز آن را تاءکید می‌کند).

۳ - سپس دستور معاشرت شایسته و رفتار انسانی با زنان را صادر می‌کند و می‌فرماید: «با آنها شایسته معاشرت کنید» (و عاشروهن بالمعروف). و به دنبال آن اضافه می‌کند: «حتی اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل نداشته باشید و بر اثر اموری آنها در نظر شما ناخوشایند باشند (فوراتصمیم به جدایی نگیرید و تا آنجا که در قدرت دارید مدارا کنید). زیرا ممکن است شما در تشخیص خود گرفتار اشتباه شده باشید، و آنچه رانمی‌پسندید خداوند در آن خیر و برکت و سود فراوانی قرار داده باشد» (فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و يجعل الله فیه خیرا کثیرا). بنابر این تا کارد به استخوان شما نرسد سزاوار است معاشرت به معروف و رفتار شایسته را ترک نکنید بخصوص اینکه بسیار می‌شود که همسران درباره یکدیگر گرفتار سوءظنهای بی دلیل و حب و بغضهای بی جهت می‌گردند و قضاوتهای آنها در این حال غالبا نادرست می‌باشد، تا آنجا که خویبها در نظرشان بدی و بدیها در نظرشان خوبی جلوه می‌کند، ولی باگذشت زمان و مدارا کردن، تدریجا حقایق آشکار می‌شود.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۵۷

ضمننا باید توجه داشت تعبیر به «خیرا کثیرا» که در آیه به همسرانی که مدارا می‌کنند نوید داده شده مفهوم وسیعی دارد که یکی از مصادیق روشن آن فرزندان صالح و با لیاقت و ارزشمند است.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۵۸

آیه ۲۰-۲۱

آیه و ترجمه

۲۰ و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و ایتیم احدئهن قنطارا فلا تاخذوا منه شیئا تاخذونه بهتنا و اثما مبینا

۲۱ و کیف تاخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثقا غلیظا
ترجمه :

۲۰- و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را نگیرید آیا برای باز پس گرفتن مهر زنان، متوسل به تهمت و گناه آشکار می‌شوید؟ ۲۱- و چگونه آن را باز پس می‌گیرید در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید و (از این گذشته) آنها پیمان محکمی (هنگام ازدواج) از شما گرفته‌اند.

شان نزول :

پیش از اسلام رسم بر این بود که اگر می‌خواستند همسر سابق را طلاق گویند و ازدواج جدیدی کنند برای فرار از پرداخت مهر، همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می‌کردند، و بر او سخت می‌گرفتند، تا حاضر شود مهر خویش را که معمولاً قبلاً دریافت می‌شد بپردازد، و طلاق گیرد، و همان مهر را برای همسر دوم قرار می‌دادند. آیه فوق به شدت از این کار زشت جلوگیری کرده و آن را مورد نکوهش قرار می‌دهد.

تفسیر :

این آیه نیز برای حمایت قسمت دیگری از حقوق زنان نازل گردیده و به عموم

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۵۹

مسلمانان دستور می‌دهد که به هنگام تصمیم بر جدایی از همسر و انتخاب همسر جدید حق ندارند چیزی از مهر همسر اول خود را کم بگذارند، و یا اگر پرداخته‌اند پس بگیرند، هر قدر هم مهر زیاد باشد (و ان اردتم استبدال زوج و ایتیم احدیهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً).

همانطور که در سابق گفتیم «قنطار» به معنی مال و ثروت زیاد است. راغب در کتاب مفردان می‌گوید اصل «قنطار» از «قنطره» به معنی پل است و چون اموال زیاد همچون پلی هستند که انسان در زندگی می‌تواند از آنها استفاده کند، از این جهت به آن قنطار گفته‌اند. زیرا فرض این است که طلاق در اینجا به خاطر منافع شوهر صورت می‌گیرد نه بخاطر انحراف زن از جاده عفت، بنا بر این دلیلی ندارد که حق مسلم آنها پایمال شود.

سپس اشاره به طرز عمل دوران جاهلیت در این باره که همسر خود را متهم به اعمال منافی عفت می‌کردند نموده و می‌فرماید: «آیا برای باز پس گرفتن

مهر زنان متوسل به تهمت و گناه آشکار می شوید» (اتاء خذونه بهتانوا اثما مبینا).

یعنی اصل عمل، ظلم است و گناه، و متوسل شدن به یک وسیله ناجوانمردانه و غلط، گناه آشکار دیگری است.

در آیه بعد مجدداً با استفهام انکاری، برای تحریک عواطف انسانی مردان اضافه می کند که شما و همسرانتان مدتها در خلوت و تنهایی با هم بوده اید همانند یک روح در دو بدن، ارتباط و آمیزش کامل داشته اید، چگونه بعد از این همه نزدیکی و ارتباط، همچون بیگانه ها و دشمنان با یکدیگر رفتار می کنید، و حقوق مسلم آنها را پایمال می نمایید؟! (و کیف تاخذونه و قدافضی بعضکم الی

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۶۰

بعض).

این درست همانند تعبیری است که ما در فارسی امروز داریم که اگر دو نفر دوست صمیمی با هم به نزاع برخیزند به آنها می گوییم شما سالها با یکدیگر نان و نمک خورده اید چرا نزاع می کنید؟ در حقیقت ستم کردن در این گونه موارد به شریک زندگی، ستم بر خویشان است.

سپس می فرماید: از این گذشته همسران شما پیمان محکمی به هنگام عقد ازدواج از شما گرفته اند چگونه این پیمان مقدس و محکم را نادیده می گیرید و اقدام به پیمان شکنی آشکار می کنید؟ (و اخذن منکم میثاقا غلیظا).

ضمناً باید توجه داشت که این آیه گرچه در مورد طلاق دادن همسر سابق برای انتخاب همسر جدید وارد شده ولی اختصاص به آن ندارد، بلکه منظور این است در هر مورد که طلاق و جدایی به پیشنهاد مرد صورت گیرد، و زن تمایلی به جدایی ندارد باید تمام مهر پرداخته شود، و یا اگر پرداخته شده چیزی از آن باز پس نگیرند، خواه تصمیم بر ازدواج مجدد داشته باشند یا نه، بنابر این جمله «ان اردتم استبدال زوج، اگر بخواهید همسر دیگری انتخاب کنید» در حقیقت ناظر به وضع دوران جاهلیت بوده است و دخالتی در اصل حکم ندارد.

ذکر این نکته نیز لازم است که «استبدال» به معنی طلب تبدیل کردن است بنابر این معنی طلب و اراده در آن افتاده است و اگر مشاهده می کنیم که با «اردتم» (بخواهید) ضمیمه شده بخاطر این است که می خواهد این نکته را

گوشزد کند که به هنگام مقدمه چینی و تصمیم بر تبدیل کردن همسر خود نباید از مقدمات نامشروع و ناجوانمردانه شروع کنید.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۶۱

آیه ۲۲

آیه و ترجمه

۲۲ و لا تنکحوا ما نکح ءاباؤکم من النساء الا ما قد سلف انه کان فاحشة ومقتا و
ساء سبیلا

ترجمه :

۲۲ - با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند ، هرگز ازدواج نکنید! مگر آنها که در گذشته (قبل از نزول این حکم) انجام شده است، زیرا این کار، عمل زشت و تنفر آور است و روش نادرستی می باشد.

شان نزول :

در زمان جاهلیت معمول بود که هر گاه کسی از دنیا می رفت و همسر و فرزندان از خود به یادگار می گذاشت، در صورتی که آن همسر، نامادری فرزندان او بود، فرزندان او را همانند اموال او به ارث می بردند، به این ترتیب که آنها حق داشتند با نامادری خود ازدواج کنند و یا او را به ازدواج شخص دیگری در آورند، پس از اسلام، حادثه ای برای یکی از مسلمانان پیش آمد و آن این که: یکی از انصار بنام «ابو قیس» از دنیارفت فرزندان او به نامادری خود پیشنهاد ازدواج نمود، آن زن گفت: من تو را فرزند خود می دانم و چنین کاری را شایسته نمی بینم. ولی با این حال از پیغمبر (صلی الله علیه وآله) کسب تکلیف می کنم، سپس موضوع را خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرض کرد، و کسب تکلیف نمود، آیه فوق نازل شد و از این کار به شدت نهی کرد.

تفسیر :

همانطور که در شأن نزول نیز اشاره شد، آیه خط بطلان به یکی از اعمال ناپسند دوران جاهلیت می کشد و می گوید: «با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند ازدواج نکنید» (و لا تنکحوا ما نکح آبائکم من النساء). اما از آنجا که هیچ قانونی معمولاً شامل گذشته نمی شود، اضافه می فرماید: مگر ازدواجهایی که پیش از این انجام شده است» (الا ما قد سلف).

سپس برای تاءکید مطلب، سه تعبیر شدید درباره این نوع ازدواج بیان می‌فرماید: نخست این که می‌گوید: «این عمل، کار بسیار زشتی است» (انه کان فاحشة).

و بعد اضافه می‌کند: «عملی است که موجب تنفر» در افکار مردم است یعنی طبع بشر آن را نمی‌پسندد (و مقتا).

و در پایان می‌فرماید: «روش نادرستی است» (و ساء سبیلا).

حتی در تاریخ می‌خوانیم که مردم جاهلی نیز این نوع ازدواج را «مقت» (تنفرآمیز) و فرزندان که ثمره آن بودند «مقیت» (فرزندان مورد تنفر) می‌نامیدند.

روشن است که این حکم به خاطر مصالح و فلسفه‌های مختلفی مقرر شده، زیرا ازدواج با نامادری از یک سو همانند ازدواج با مادر است چون نامادری در حکم مادر دوم محسوب می‌شود. و از سوی دیگر تجاوز به حریم پدر و هتک احترام او است.

و از همه گذشته، این عمل، تخم نفاق را در میان فرزندان یک شخص می‌پاشد زیرا ممکن است بر سر تصاحب نامادری میان آنها اختلاف واقع شود حتی میان پدر و فرزند ایجاد رقابت می‌کند زیرا معمولاً میان همسر دوم و همسر اول رقابت و حسادت وجود دارد، اگر این کار (ازدواج با نامادری) در حیات پدر او صورت گیرد نیز ممکن است یک نوع حسادت، نسبت به پدر از دست رفته خود پیدا کند.

تعبیرات سه گانه‌ای که درباره نکوهش این عمل در آیه فوق آمده بعید نیست به ترتیب اشاره به سه فلسفه بالا باشد.

آیه ۲۳

آیه و ترجمه

۲۳ حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم و عماتکم و خالاتکم و بنات الاخ و بنات الاخت و امهاتکم اللاتی ارضعنکم و اخواتکم من الرضاعة و امهات نسائکم و ربائبکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن فان لم تکنوا دخلتم بهن فلا جناح علیکم و حلال ابنائکم الذین من اصلابکم و ان تجمعوا

بین الاختین الا ما قد سلف ان الله کان غفورا رحیما

ترجمه :

۲۳ - حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامن شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید - و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد - و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (- نه پسر خوانده‌ها -) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دوخواهر کنید، مگر آنچه در گذشته واقع شده، چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است.

تفسیر :

تحریم ازدواج با محارم

در این آیه به محارم یعنی زنانی که ازدواج با آنها ممنوع است اشاره شده است و بر اساس آن محرمیت از سه راه ممکن است پیدا شود.
۱ - ولادت که از آن تعبیر به «ارتباط نسبی» می‌شود.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۶۴

۲ - از طریق ازدواج که به آن «ارتباط سببی» می‌گویند
۳ - از طریق شیرخوارگی که به آن «ارتباط رضاعی» گفته می‌شود.
نخست اشاره به محارم نسبی که هفت دسته هستند کرده و می‌فرماید:
«مادران شما و دخترانتان و عمه‌ها و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهرانتان بر شما حرام شده‌اند» (حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم و عماتکم و خالاتکم و بنات الاخ و بنات الاخت).
باید توجه داشت که منظور از مادر فقط آن زنی که انسان بلا واسطه از او تولد شده، نیست بلکه جده و مادر جده و مادر پدر و مانند آنها را شامل می‌شود همانطور که منظور از دختر، تنها دختر بلا واسطه نیست بلکه دختر و دختر پسر و دختر دختر و فرزندان آنها را نیز در بر می‌گیرد و همچنین درمورد پنج دسته دیگر.

ناگفته پیداست که همه افراد طبعا از این گونه ازدواجها تنفر دارند و به‌همین دلیل همه اقوام و ملل (جز افراد کمی) ازدواج با محارم را ممنوع می‌دانند و حتی مجوسی‌ها که در منابع اصلی خود قایل به جواز این

گونه ازدواج‌ها بوده‌اند، امروز آن را انکار می‌کنند. گرچه بعضی کوشش دارند که این موضوع را ناشی از یک عادت و رسم کهن بدانند ولی می‌دانیم عمومیت یک قانون در میان تمام افراد بشر، در قرون و اعصار طولانی، معمولاً حکایت از فطری بودن آن می‌کند، زیرا رسم و عادت نمی‌تواند عمومی و دائمی گردد. از این گذشته امروز این حقیقت ثابت شده که ازدواج افراد همخون بایکدیگر خطرات فراوانی دارد یعنی بیماری نهفته و ارثی را آشکار و تشدید می‌کند (نه این که خود آن تولید بیماری کند) حتی بعضی، گذشته از محارم، ازدواج با اقوام نسبتاً دورتر را مانند عموزاده‌ها را با یکدیگر خوب نمی‌دانند، و معتقدند خطرات

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۶۵

بیماری‌های ارثی را تشدید می‌نماید ولی این مسأله اگر در خویشاوندان دورمشکلی ایجاد نکند (همانطور که غالباً نمی‌کند) در خویشان نزدیک که «همخونی» شدیدتر است مسلماً تولید اشکال خواهد کرد. به علاوه در میان محارم جاذبه و کشش جنسی معمولاً وجود ندارد زیرا محارم غالباً با هم بزرگ می‌شوند و برای یکدیگر یک موجود عادی و معمولی هستند و موارد نادر و استثنایی نمی‌تواند مقیاس قوانین عمومی و کلی گردد و می‌دانیم که جاذبه جنسی، شرط استحکام پیوند زناشویی است، بنابر این اگر ازدواجی در میان محارم صورت گیرد، ناپایدار و سست خواهد بود. سپس به محارم رضاعی اشاره کرده و می‌فرماید: «و مادرانی که شما را شیر می‌دهند و خواهران رضاعی شما بر شما حرامند» (و امهاتکم اللاتی ارضعنکم و اخواتکم من الرضاعه). گرچه قرآن در این قسمت از آیه تنها به دو دسته یعنی خواهران و مادران رضاعی اشاره کرده ولی طبق روایات فراوانی که در دست است، محارم رضاعی منحصر به اینها نیستند، بلکه طبق حدیث معروف که از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب، تمام کسانی که از نظر ارتباط نسبی حرامند از نظر شیرخوارگی نیز حرام می‌شوند». البسته مقدار شیرخوارگی که تأثیر در محرمیت می‌کند و همچنین شرایط و کیفیت آن، ریزه کاری‌های فراوانی دارد که در کتابهای فقهی آمده است.

فلسفه تحریم محارم رضاعی این است که با پرورش گوشت و استخوان آنها با شیر شخص معینی شباهت به فرزندان او پیدا می‌کند، مثلاً زنی که کودکی را به

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۶۶

اندازه‌ای شیر می‌دهد که بدن او با آن شیر نمو مخصوصی می‌کند یک نوع شباهت در میان آن کودک و سایر فرزندان آن زن پیدا می‌شود و در حقیقت هر کدام جزیی از بدن آن مادر محسوب می‌گردند و همانند دو برادر نسبی هستند.

و در آخرین مرحله اشاره به دسته سوم از محارم کرده و آنها را تحت چند عنوان بیان می‌کند:

۱ - «و مادران همسرانتان» (و امهات نسائکم).

یعنی به مجرد اینکه زنی به ازدواج مردی در آمد و صیغه عقد جاری گشت مادر او و مادر مادر او هر چه بالاتر روند بر او حرام ابدی می‌شوند.

۲ - «دختران همسرانتان که در دامان شما قرار دارند به شرط اینکه با آن همسر آمیزش جنسی پیدا کرده باشید» (و ربائبکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن).

یعنی تنها با عقد شرعی یک زن «دختران او» که از شوهر دیگری بوده‌اند بر شوهر حرام نمی‌شوند، بلکه مشروط بر این است که علاوه بر عقد شرعی با آن زن هم بستر هم شده باشد. وجود این قید در این مورد تأیید می‌کند که حکم مادر همسر که در جمله سابق گذشت مشروط به چنین شرطی نیست، و به اصطلاح اطلاق حکم را تقویت می‌کند.

گرچه ظاهر قید «فی حجورکم»، در دامان شما باشند»

چنین می‌فهماند که اگر دختر همسر از شوهر دیگر در دامان انسان پرورش نیابد بر او حرام نیست ولی به قرینه روایات و مسلم بودن حکم، این قید به اصطلاح قید احترازی نیست بلکه در واقع اشاره به نکته تحریم است زیرا اینگونه دختران که مادرانشان اقدام به ازدواج مجدد می‌کنند معمولاً در سنین پائین هستند و غالباً در دامان شوهر جدید همانند دختر او پرورش می‌یابند، آیه می‌گوید اینها در واقع همچون دختران خود شما هستند، آیا کسی با دختر خود ازدواج می‌کند؟ و انتخاب عنوان «ربائب» که جمع

«ربیبه» به معنی تربیت شده است نیز به همین جهت می باشد.
به دنبال این قسمت برای تأکید مطلب اضافه می کند که: «اگر با آنها آمیزش جنسی نداشتید دخترانشان بر شما حرام نیستند» (فان لم تکنوا دخلتم بهن فلا جناح علیکم).
۳ - «و همسران فرزندانان که از نسل شما هستند» (و حلائل ابنائکم الذین من اصلا بکم).

در حقیقت تعبیر «من اصلا بکم» (فرزندانی که از نسل شما باشند) برای این است که روی یکی از رسوم غلط دوران جاهلیت خط بطلان کشیده شود، زیرا در آن زمان معمول بود افرادی را به عنوان فرزند خود انتخاب می کردند، یعنی کسی که فرزند شخص دیگری بود به نام فرزند خود می خواندند و فرزند خوانده مشمول تمام احکام فرزند حقیقی بود، و به همین دلیل با همسران فرزند خوانده خود ازدواج نمی کردند فرزندخواندگی و احکام آن در اسلام به کلی بی اساس است.

۴ - «و برای شما جمع در میان دو خواهر ممنوع است» (و ان تجمعوا بین الاختین).

یعنی ازدواج با دو خواهر در زمان واحد مجاز نیست، بنابر این اگر با دو خواهر یا بیشتر در زمانهای مختلف و بعد از جدایی از خواهر قبلی انجام گیرد، مانعی ندارد.

و از آنجا که در زمان جاهلیت جمع میان دو خواهر رایج بود، و افرادی مرتکب چنین ازدواجهایی شده بودند قرآن بعد از جمله فوق می گوید: «مگر آنچه در گذشته واقع شده» (الا ما قد سلف).

یعنی این حکم (همانند احکام دیگر) عطف به گذشته نمی شود، و کسانی که

قبل از نزول این قانون، چنین ازدواجی انجام داده اند کیفر و مجازاتی ندارند، اگر چه اکنون باید یکی از آن دو را انتخاب کرد، و دیگری را رها کنند.
در پایان آیه می فرماید: «خداوند آمرزنده و مهربان است» (ان الله کان غفورا رحیما).

رمز اینککه اسلام از چنین ازدواجی جلوگیری کرده شاید این باشد، که

دوخواهر به حکم نسب و پیوند طبیعی نسبت به یکدیگر علاقه شدید دارند، ولی به هنگامی که رقیب هم شوند طبعا نمی‌توانند آن علاقه سابق را حفظ کنند، و به این ترتیب یک نوع تضاد عاطفی در وجود آنها پیدا می‌شود، که برای زندگی آنها زیانبار است، زیرا دائما انگیزه «محبت» و انگیزه «رقابت» در وجود آنها در حال کشمکش و مبارزه‌اند. بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که جمله «الا ما قد سلف» به تمام محارمی که در آیه به آن اشاره شده برگردد یعنی اگر قبل از نزول این آیه اقدام به ازدواج با یکی از محارم فوق طبق قوانین متداول آن زمان کرده باشید، حکم تحریم شامل آن ازدواجها نمی‌شود، و فرزندان آنها فرزندان مشروع خواهند بود، البته پس از نزول این آیه لازم بوده فوراً جدا شوند. پایان آیه یعنی جمله «ان الله کان عفورا رحیما» نیز متناسب با این معنی می‌باشد.

بعد ←

↑ نفرت

→ قبل